

زندگی ساده، ولی پربرتک زوج محله مهر مادر در خدمت زائران امام رضا (ع) است

## ماندن بر سر عهد



شد. با این حال گلابه ای ندارد. به قول خودش «روزی را خدایم رساند و کاری که برای امام رضا (ع) باشد، ضرر ندارد. کار ما دلی است.»

## ● عاقبت به خیری

پذیرایی آن هافقط در غذا و اسکان خلاصه نمی شود. خاطره ای که تاجیک از یکی از زیارت اولی ها تعریف می کند، تصویر روشنی از دغدغه آن هاست: «خانمی ناشناخته برای زیارت آمده بود که در حرم از همراهش جدا و گم شد. وقتی کاروان برای ناهار برگشت، گفتند این خانم نیست. ناهار را گذاشتیم کنار و تا عصر در حرم دنبالش گشتیم. در نهایت، انتظارات او را پیدا کردند و تحویل دادند.» از این دست تجربه ها کم نیست؛ از جمله پیدا کردن یک چک ۵۹ میلیون تومانی در تاکسی اش که آن را بدون هیچ چشمداشتی به صاحبش برگرداند. همسر آقای تاجیک می گوید: ما هر قدم خیری که برمی داریم به دنیست است؛ اول اینکه ثوابش به روح پدر و مادرمان برسد و «خدا بیامری»؛ برایشان بخیریم و دوم عاقبت به خیری بچه هایمان.

## ● عشق بی حساب، خدمت بی منت

منیر خانم و آقای اکبر، با وجود همه مشغله ها، بیشتر کارها را در کنار حمایت مالی خیران، شخصاً انجام می دهند. ظرف می شویند، سبزی پاک می کنند، اتاق ها را آماده می کنند و برای بدرقه کاروان ها، شیرینی تعارف می کنند. حتی وقتی خانه شان کوچک است و امکانات محدود، باز هم آنچه را دارند، بادل و جان، وسط می گذارند. منیر خانم می گوید: من هم دلم زندگی راحت تر و خانه بزرگ تر می خواهد، اما همین که می دانم دل زائران شاد می شود و فرزندانم هم در این راه هستند، برایم کافی است.

او در حالی که چشم هایش به اشک آمده است، اضافه می کند: عهدی با امام رضا (ع) داشتیم، گفتیم تا زنده ایم، محتاج کسی نشویم و این راه خیر را ادامه بدهیم، حتی اگر فقط در حد خوشامدگویی باشد.

مسیر شاهیان سال هاست که به زیارت اولی ها سرپناه می دهند و آن ها را سر سفره روزی شان می نشاندند. بی آنکه دلشان به حساب و کتاب دنیا بند باشد. خانه شان ساده است، اما دلشان آن قدر وسعت دارد که سالی چند بار، برای هیئت هایی از روستاهای خراسان، مشهد را خانه دوم می کنند. علی اکبر تاجیک و همسرش منیر رجب زاده، از آن دست آدم هایی اند که زیر آفتاب داغ روزگار، دنبال روزی حلال می روند و تکیه شان به خدای امام رضا است. با درآمد یک تاکسی قدیمی و دل خوشی های کوچک اما ریشه دار، سال هاست که از سر عشق میزبانی زائران بی پناه را به عهد گرفته اند؛ آن هم به یاد پدری که پایه گذار این مسیر بود.

## ● رسمی از پدر که زنده ماند

آغاز این مسیر به سال ها پیش بازمی گردد؛ زمانی که حاج صفرعلی تاجیک، پدر علی اکبر، از معتمدان روستای حسین آباد (بخش زبرخان نیشابور) بود. او از اوایل دهه ۶۰ هر سال در ایام شهادت امام رضا (ع)، کاروان هایی از روستاهای اطراف را به روستای خودش دعوت می کرد، خرجشان را می داد و با آبرو میزبانی شان می کرد. یکی از رسم هایی که به آن پایبند بود، «علم خیری» نام داشت. رسم آن بود که با نامه ای رسمی از سوی هیئت میزبان به دهیار یا سر هیئت های شناخته شده، از هیئت روستاهای دیگر دعوت می کردند. اهالی هم با احترام به سابقه و نام حاج صفرعلی، دعوت را می پذیرفتند. تاجیک می گوید: بعد از ازدواجمان برای کار تصمیم گرفتیم به مشهد بیاییم. از همان زمان، پدرم از من خواست با خرج او، امور هیئت هایی را که به مشهد می فرستد، به عهده بگیرم. بعد از فوت حاج صفرعلی در سال ۱۳۹۲، پسر و عروسش، بی وقفه این مسیر را ادامه دادند. هنوز هم به پشتوانه همان رسم، چندین هیئت در دهه آخر صفر از نیشابور به مشهد می رسند و همانند قدیم، آقای اکبر و منیر خانم سعی می کنند از آن ها میزبانی کنند، جایی برای اسکان هماهنگ می کنند و با همراهی خیران می کوشند تا غذایی آماده شود...

## ● خدا کار ما را می بیند

علی اکبر تاجیک پس از سال ها همراهی همسرش، اکنون مسئولیت پشتیبانی از پنج هیئت مذهبی را بر عهده دارد. یکی از آن ها از میتودشت و هیئت دیگر، گروه پیادگان نیشابور است. همچنین از روستای زادگاه خود، دو هیئت و از روستاهای اطراف بیرجند نیز یک هیئت راتحت حمایت دارند که معمولاً دو تا سه روز در مشهد میهمان می شوند. طی سال هم کاروان هایی هستند که او و همسرش از آن ها پشتیبانی می کنند.

منیر خانم می گوید: امسال در ماه رمضان، یک کاروان ۴۸ نفره از انجمن نابینایان نیشابور به مشهد آمدند. برای بیشتر این میزبان ها منزل ماکوچک است؛ برای همین با حسینه ها هماهنگ می کنیم. با این حال گاهی تعدادی از خانم ها می پذیرند اینجا استراحت کنند و به دلیل حضور زیاد میهمانان، هماهنگی هایی انجام می شود تا بخشی از مراسم و زمان استراحت در حیاط مدرسه حضرت زینب (س) روبه روی خانه مان برگزار شود. همسر آقای تاجیک معتقد است که تنها خداوند

ناظر اصلی بر کار آنان است و بیان می کند: خیلی ها به ما گفتند به جای این کار به زندگی تان برسید؛ ولی من گفتم ما این مسیر را انتخاب کرده ایم و خدایم ببیند. البته در کنار سرنش ها، همراهی خیرانی را هم تجربه کرده ایم که با اعتقاد عمیق و نیت خالص، گاهی شرط می کردند نامی از آنان برده نشود.

آن ها ۲۶ سال است که در این خانه زندگی می کنند و منیر خانم همواره از خداوند خواسته است سلامت باشند و در این راه باقی بمانند.

## ● کار، دلی است، نه از روی درآمد

علی اکبر راننده تاکسی خط باب الجواد (ع) است. با وجود گرمای تابستان، ساعت های زیادی پشت فرمان می نشیند و مسافر جابه جا می کند. می گوید: در راه با مسافران صحبت می کنم و دائم دنبال زیارت اولی ها می گردم. از روستاهای دورافتاده زابل و بیرجند و... افرادی را پیدا می کنیم. همین حالا مادر و دختری به من معرفی شده اند که حتی از اتوبوس سوار شدن می ترسند. ما چنین افرادی را به زیارت می آوریم.

برای همین هماهنگی ها در ایام نوروز امسال که کارش حسابی رونق داشت، تاکسی را کنار گذاشت تا وقتش را صرف رسیدگی به هیئت ها کند. نه تنها از درآمدش زد، بلکه بارها به خاطر کم کاری، از سوی تاکسی رانی هم جریمه

